

عوامل پارچه پارچه شدن دین اسلام به مذاهب وگروههای متعدد، وادامه آن ؟

(عدم درک واقعی از معنی و مفهوم دین اسلام و کلام الهی ، منافع شخصی یا تجارت بالای دین و تحریف احکام دینی با پیروی از خرافات، منافع زبانی ، قومی، قبیله‌ای، سیاسی و اقتصادی ، عامل عمده میباشد)

بخش دوم : -

تمام مذاهب اسلامی بر درستی متن قرآن کریم اتفاق نظر دارند، اما اختلاف در نحوه خواندن متن، معنی، تفسیر و احیاناً ترتیب آن میباشد. این اتفاق نظریه اندازه است، که شیعیان دوازده امامی ایران و وهابیان عربستان و شاخه های تروریستی آن از قرآن کریم با رسم الخط واحدی استفاده میکنند.

پیروان دین اسلام که مسلمان نامیده میشوند باید اصول و فروع دین اسلام را که به اصطلاح تیوری و پراتیک دین گفته میشود. فهمید و طبق آن باید عمل نمایند. اصول دین اسلام که پایه های اعتقادی آن میباشد، نخست باید به آن ایمان آورد، که عبارت اند :

- ۱- توحید یعنی یکتاپرستی و مهمترین اصل اعتقادی دین اسلام میباشد.
 - ۲- نبوت یعنی باور داشتن به اینکه خداوند برای ابلاغ سخن خود به انسانان پیامبر را از میان خود آنان برگزیده است.
 - ۳- معاد به معنی رستاخیز و دوباره برخاستن پس از مرگ میباشد.
- در مذهب شیعه اصول دین اسلام بر علاوه سه اصل فوق عدل و امامت نیز شامل است . عدل به معنی قضاوت و پاداش به حق میباشد. یعنی خداوند هیچ عملی را هر چند نا چیز و کوچک باشد، ضایع نکرده و بی اجر و پاداش نمیگذارد و بدون تبعیض هر کس جزای اعمالش را خواهد دید.

- فروع دین اسلام را عمل یا پراتیک میگویند یعنی (نماز، روزه، زکات ، حج و جهاد) . جهاد به معنی کوشش، مبارزه و فعالیت میباشد. از نظر اسلام جهاد دو نوع است یکی جهاد کبیر یعنی مبارزه با امیال درونی انسان میباشد. که بر علاوه رعایت اصول و فروع دین، مسلمان باید خواهشات نفسانی و امیال بیهوده خویش را کنار گذاشته بخاطر رفاء و آسایش انسان کوشش نماید (افسوس که در کشور ما تعداد قابل ملاحظه ملانماها و رهبران تنظیمی نه توانستند که جهاد علیه امیال نفسانی و... خود نمایند ، اموال و دارائی ها شان را که با استفاده از موقف دین و مذهب تصاحب نموده اند شاهد ادعای ما میباشد .)

دین اسلام که صد هاملیون پیرو دارد، نظریه سایر ادیان مکملتر میباشد، هر گاه اختلافات

ظهور نمی‌کرد و به پارچه پارچه متعدد تقسیم نمی‌گردید، فعلاً بمراتب پیروان بیشتر می‌داشت. یکی از نگرانی‌های پیامبر اسلام در اواخر حیاتش، بروز احتمال اختلافات میان مسلمانان بود تا مبادا منجر به احیاء دوباره اندیشه‌های جاهلیت گردد. چنانکه این اتفاق بعد وفات پیامبر بوقوع پیوست و آن ماجرای سقیفه بنی ساعده بود. در ماجرای متذکره حضرت علی (رض) مشغول مراسم تدفین و تکفین پیامبر (ص) بودند، عده‌ای از مردم مدینه (انصار) در سقیفه بنی ساعده با حضور سعد بن عباده تصمیم به انتخاب جانشین پیامبر را گرفتند. این خبر به گوش حضرت ابوبکر (رض) رسید. موصوف با جمعی از اصحاب (اهل مکه) در آنجا حاضر شدند و جریان سقیفه را که به نفع انصار پیش میرفت، با ذکر حدیثی منسوب به پیامبر، پیشنهاد کرد تا فردی از قریش به خلافت برسد. با توجه به اینکه ابوبکر (رض) مقام والائی نزد پیامبر داشت و لقب صدیق رابه او شان داده بودند. کسی به مخالفت بر نه خواست و حضرت ابوبکر (رض)، حضرت عمر (رض) را معرفی کرد، اما حضرت عمر (رض) با احترام و دوستی که رسول الله با حضرت ابوبکر (رض) داشت، خود دست بیعت را به ابوبکر صدیق (رض) داد. سپس ابو عبیده جراح نیز اقدام به این کار کرد. سقیفه بنی ساعده نخستین انشعاب عملی در عالم اسلام بود که زمینه ظهور مخالفتهای راهم باعث گردید. در این میان آشکارترین تفکر مخالفت مربوط به کسانی بود که حضرت علی را جانشین پیامبر میدانستند و بزرگان ماجرای سقیفه بنی ساعده اعتراض می‌گرفتند، که شما جزو نخستین کسانی بودید که با علی (رض) در غدیر خم بیعت کردید.

غدیر خم منطقه ایست بین مکه و مدینه، بتاريخ 18 ذی الحجه حضرت محمد (ص) بعد از حجه الوداع که تعداد کثیر مسلمانان جمع شده بودند، ضمن خطابه، از بازوی حضرت علی (رض) گرفت و برای مدعوین از کار و فعالیت حضرت علی در مبارزه علیه کفار و نقش او در اشاعه دین اسلام یادآوری نموده و ضمن اینکه او را (ولی) و برادر خود خطاب کرد، فرمودند: (هر آن کس که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست.) کلمه مولا در فرهنگ عرب دو معنی دارد:

1- دوست . 2- صاحب امتیاز.

این واقعه و حادثه غدیر در کتب متعدد نقل شده، اما قدیمیترین منبع تاریخی از احمد بن ابویعقوب متخلص به یعقوبی (۲۸۴ هجری قمری) می‌باشد. موصوف وظیفه دبیری را در دربار عباسی داشت. که اکثر آثار ادبی خویش را بشکل شعر بیان داشته، چنانچه موضوع مورد بحث ما در مجموعه اشعار این نویسنده قرن دوم هجری ملاحظه می‌گردد. اندیشه شیعه یا دوستداران حضرت علی از آن زمان صورت آشکارتر را به خود گرفت. علامه طباطبایی، جریان ظهور و پیشرفت اسلام را در بیست و سه سال زمان بعثت و روندی طی شده را که سبب پیدایش چنین گروه‌ها و جمعیتها در میان یاران پیامبر گردید مینویسد: علاقه شدیدی که پیامبر نسبت به علی (رض) اظهار می‌فرمود و خدمات ارزنده یکه حضرت علی برای ترقی و پیشرفت اسلام در جنگ‌ها از خود نشان داده بود. عده‌ای از یاران پیامبر را که از شیفته‌گان فضیلت و حقیقت بودند. بر این می‌داشت که علی (رض) را دوست داشته باشند و در آینده از او پیروی نمایند. ولی یکتعداد را بر حسد و کینه و او می‌داشت. بناء سقیفه بنی ساعده نخستین انشعاب عملی در عالم اسلام بود که زمینه ظهور مخالفت‌ها را فراهم نمود. نفاق در اسلام نظریه سایر ادیان زودتر بوجود آمد. که مبنای عمده این اختلافات عبارت از:

- جانشینی پیامبر (خلافت و امامت)

- **عدم درک واقعی از معنی و مفهوم کلام الهی** که سبب اختلاف در روش فقهی، اصول و فروع دین گردید. به مرور زمان اختلافات اوج گرفته خلفای اسلام، شاهان و امامان بخاطر منافع شخصی، قومی، لسانی منطقوی خود از دین اسلام سئواستفاده نموده و باعث ایجاد فرقه ها و مذاهب متعدد گردیدند. فعلا در اسلام بیشتر از صد مذهب و فرقه ها وجود دارد و سلسله نفاق و پارچه شدن بیشتر آن با مدغم شدن سیاست در دین و منافع اقتصادی و سیاسی ابر قدرت ها ادامه دارد.

در نتیجه ایجاد مذاهب و اختلافات، ملیونها انسان به قتل رسید و سلسله این کشتارها ادامه دارد. این اختلافات به اشکال مختلف و تدریجی شامل موضوعات اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر، روابط ذات البینی افراد، رابطه انسان و خداوند در چوکات مسایلی چون مفهوم ایمان، جبر و اختیار شامل شده و سپس به جانب آخرت شناسی و توجه به بهشت و جهنم که مساله و عده و وعید را شامل میگردد، پا گذاشته شد. در نتیجه فلسفه و پیامدهای طبیعی را شامل نموده و به تاسیس دانش کلامی انجامید. خلاصه سه حوزه دین شناسی، انسان شناسی و کیهان شناسی را پایه گذاری نمودند.

معتزلیان با پایه گذاری دانش کلامی، نقش تعیین کننده ای در تاریخ اسلام دارند. موسس این فرقه ابوحنیفه و اصل بن عطا الغزال که در سال ۲۱ هجری قمری متولد و در سال ۱۱۰ وفات نمود، بود. پیروان این مکتب طرفدار قدرت و حریت انسان بوده و معتقد اند که انسان در رفتار و کردارش آزاد میباشد. هر کس مسئول رفتار خودش میباشد و خداوند افعال بنده گان را به خود شان وا گذاشته است. ایشان برخلاف اهل حدیث که احادیث اصیل و جعلی پیامبر و صحابه را مورد توجه خود قرار داده بودند، عقل و خرد را به تنهایی برای پیروی از اسلام راستین کافی می دانستند. و گاهی نظرات فلاسفه را با دین مخلوط می ساختند. مکتب متذکره در زمان بنی امیه و در حکومت عبدالملک مروان بین سال های ۶۵ - ۸۶ هجری قمری بوجود آمد.

اساس مذهب معتزله خرد گرایی و آزاد اندیشی بود، چنانچه آنان به اصحاب العدل و عدلیه شهرت یافتند. اما از طرف دشمنان به قدریه یاد میگردیدند. اشاعره با موضع گیری در برابر افکار معتزلیان، مکتب کلامی را ایجاد و به رقابت پرداختند. در این میان معتزله و اشاعره نماینده دو نظر نسبتا متفاوت در مذهب کلامی هستند. که عامل عمده اختلاف آنان ناشی از نگرش شان نسبت به عقل، کارکردها و ساحه فعالیت شان میباشد. مذهب اشاعره در آغاز قرن چهارم هجری پدید آمد. مؤسس آن ابوالحسین علی بن اسماعیل اشعری بود، که در سال ۲۶۰ هجری در شهر بصره متولد و در سال ۳۳۰ در بغداد درگذشت. پدرش از طرفداران اهل حدیث بود، اشعری در کودکی با عقاید اهل حدیث خو گرفت، ولی در جوانی به مکتب اعتزال پیوست و تا چهل سالگی با آن مکتب همراه بود. اما در سال ۳۰۰ هجری به صورت آشکار از معتزله کناره گرفت و عقاید جدید خود را بیان داشت و بار دیگر به جانبداری از عقاید اهل حدیث برخاست و در مقابل هر قاعده و اصلی از اصول معتزله، قاعده و اصل جدید وضع نمود.

اهل حدیث، قرآن کریم و سنت را اساس عقاید خود قرار داده و منکر عقل و رسالت آن در عقاید و اصول بودند. اما معتزلیان در مسایل کلامی به عقل تکیه می کردند و نصوص قرآن را هنگام که مخالف نظر خود می یافتند، تأویل نموده و به سنت اعتماد نمی کردند. اشعری به ارائه طرحی نو اقدام کرد تا بگونه ای تضاد موجود میان عقلگرایی و ظاهر

گرایی را برطرف سازد، بدین جهت با هریک از آن دوگروه، هم موافق و هم مخالف بود. با عقل گرایان در این جهت که استدلال عقلی در اثبات عقاید دینی بدعت و حرام نبوده، بلکه راجح و پسندیده است، موافقت کرد و رساله تحت عنوان «استحسان الخوض فی علم الکلام» تالیف نمود. و این در حالی بود که اهل حدیث، علم کلام و استدلال عقلی را بدعت و حرام میدانستند. از طرفی در تعارض عقل با ظواهر دینی، ظواهر را مقدم داشت و در نتیجه در بحث از صفات ذات و صفات خبریه با عقاید معتزله مخالفت کرد. همان گونه که اصل تحسین و تقبیح عقلی و متفرعات آن را نیز مردود دانست و هیچ واجب عقلی را نپذیرفت و در این زمینه ها با اهل حدیث هماهنگ شد و چون نادرست دانستن تأویل و اصرار بر حفظ ظواهر در مواردی با اصل تنزیه (پاک و بی آلایش) و صفات جمال و جلال الهی منافات داشت، با استفاده از استدلال عقلی، فرضیه های کلامی جدیدی را ابداع نمود و یا اگر قبلاً مطرح شده بود به تحکیم آن پرداخت که این فرضیه ها، عقاید و نظریات خاص را در مذهب کلامی بوجود آورد.

هرگاه مذاهب و فرقه های تشکیل شده را به دقت مطالعه فرمائید، گرچه هدف همه این فرقه ها و مذاهب پرستش خدای یگانه پیروی از قرآن شریف و اینکه محمد (ص) پیامبر خدا است، انجام فرایض دینی یکی بوده، اما در شکل و سلیقه ها باهم در جنجال و تفرقه میباشند. به سبب اینکه منافع رهبران و ایجاد کننده گان مذاهب و فرقه ها در آن نهفته است. خیلی تاسف آور است که با داشتن عقیده مشترک، چرا اسلام را پارچه پارچه نموده، و با ایجاد نفاق، مذاهب مختلف را بوجود آوردند. هرگاه بصورت دقیق و واقع بینانه بر عوامل ایجاد مذاهب و فرقه ها نظر اندازی شود، اصلاً اسلام بر معنویت و اعتقاد راسخ استوار است هرگاه در اعتقاد منافع مادی، شخصی فامیلی، قومی ملیتی و... دخیل شود، اسلام واقعیت خود را که داشتن اعتقاد قلبی به ایزد متعال میباشد (قلب و ضمیر انسان در جهت شناخت و انجام هدایات الهی باشد) از دست داده، عظمت طلبی، تجارت بالای دین و مذهب که در آن منافع رهبران مذهبی میباشد، صورت میگیرد.

مثال عمده و تازه، روحانی خرافات پیشه که دین را وسیله پیدا نمودن پول و سایر غرایز خویش قرار داده، بتاريخ نهم مارچ ۲۰۱۵، مرتکب جنایت هولناک تاریخ بشریت شد (شهادت فرخنده) که با لٹ و کوب، ذریعه مشیت، لگد و چوب شروع، با چاقو جسم آن دختر را تکه و پاره نمودند، بعداً شکم لگد و سپس بالای شکم آن دختر معصوم خیز زدند، به تعقیب موتر را بالای شمش عبور داده و جسدش را در روی سرک کش نمودند و از فاصله هشت یا نه متری از سرک به دریا کابل انداختند و در آخر با تیل پاشیدن بر جسدش آن مسلمة را به آتش کشیدن !!!

آن روحانی تاجر و مسلمانان مورثی احساساتی **به اتهام سوختن قرآن شریف** تحت نام اسلام جنایت فوق الذکر را ثبت تاریخ بشریت نمودند و در جهت بد نامی اسلام نقش خویش را ایفا نمودند. در حالیکه شاهدان عینی می گویند که فرخنده پس از مشاجره با آن تعویض نویس یا روحانی درباره خرافات که با دادن تعویض در محل مقدس مسلمانان کابل، از دین تجارت و اعمال غیر اخلاقی را مرتکب می گردید، تحت ضرب قرار گرفت. آن زن قهرمان افغان بتاريخ ۲۸ حوت ۱۳۹۳ مصادف با ۱۹ مارچ ۲۰۱۵ علیه منافع قرآن فروشان و خرافاتیان (تعویض نویسان) قیام نمود.

شرمبارتر ازین که یک روز پس از کشته و سوزاندن فرخنده، **محمد ایاز نیازی، امام مسجد**

وزیر اکبرخان در مرکز شهر کابل، با تأیید چنین جنایت هولناک، در خطبه نماز جمعه گفت: خواهش من از ارگان‌های عدلی و قضایی این است که با دقت حرکت کنند... وقتی که به مقدس‌ترین اعتقاد مردم (قرآن) اهانت صورت بگیرد، مردم مکلف نیستند که بپرسند این متهم اعصابش سالم و یا ناسالم است. فکرتان باشد که این اشتباه بزرگ است و اگر اقدام به دستگیری مردم میکنید، شاید این مردم قیام کنند. باز جمع کردن این مردم بسیار مشکل است. بهمین شکل در کشور ما این چنین تجاران دین به صدها و هزاران نفر میرسد. هرگاه منافع مادی شان بر آورده نشود، هموطنان وطن دوست و صادق افغانستان را با دادن فتوای کفر و الحاد محکوم نموده و مینمایند. در حالیکه از نوک انگشتان یکتعداد شان کثافت خون میچکد و از جیبهای شان دالره‌های چور و چپاول شده و غصب جای داده‌های مردم و بیت المال سرازیر مییاشد. قصرها، آپارتمانها، سرایها، فابریکات، تجارتخانه‌ها و پولهای نقد در بانکهای داخل و خارج نمونه از غنایم و تجاوزات این تجاران دین و مذهب مییاشد که در بدست آوردن آن به اصطلاح هر کدام روی دلایل فوق در جهت دامن زدن اختلافات دینی، مذهبی، قومی، لسانی، سیاسی و... عرق ریزی، کار و زحمات بسیار را متقبل گردیده اند.

تاریخ اسلام طی چهارده قرن شاهد پارچه پارچه شدن اسلام با ایجاد بیش از صد مذاهب مختلف بوده و مییاشد. که نتایج بسیار شوم مانند، نفاق و برادرکشی و کشتار ملیونها انسان را در قبال داشت و با ایجاد مذاهب جدید سیاسی در اسلام مانند وهابیت، القاعده، زرقاوی و شاخه جدید و ظالم آن تحت نام داعش (از اسلام دین ترور، جاهلیت و ظالم را که زنان، اطفال، جوانان را به شکل بیرحمانه به قتل میرسانند) اقدام نموده و اسلام را در سطح جهان طبق هدایات منابع تمویل کننده آن بدنام نموده و مینمایند. (جنایات روزمره شان در اکثر و الایات افغانستان که باعث کشتار هزاران افراد ملکی میگردد، راپور های سالانه یونوما و سایر بخشهای ملل متحد) شاهد ادعایم مییاشد. در حالیکه اسلام دین اخوت و برادری و برابری، صلح و ترقی مییاشد....

مؤلف کتاب تاریخ ادیان و مذاهب در جلد سوم تحریر داشته که مولفان کوشیده اند تا عدد فرقه های اسلام را به 73 فرقه برسانند تا با روایت منسوب به پیامبر اسلام مطابقت کند. همچنان مؤلف کتاب بیان الادیان که در سال 485 ق تقسیم بندی مذاهب اسلام را درپانزده فرقه، که هر کدام به فرقه های مختلف تقسیم نموده است، که تعدادشان به 75 میرسد. علاوه تا نویسنده کتاب علل ظهور فرقه ها و مذاهب اسلامی، کلیه فرقه ها را در پانزده فرقه خلاصه کرده است. خلاصه بصورت عموم اسلام را به دو مذهب عمده سنی و شیعه که به اضافه از صد گرو و فرقه تقسیم نموده اند.

اینک نظری مختصر بر بعضی از این مذاهب می اندازیم:

1- مذهب سنی (تسنن) :

بزرگترین مذهب دین اسلام مییاشد که اکثریت مسلمانان جهان را تشکیل میدهد. اهل سنت یا جماعت با قبول اصول و فروع دین برین باور هستند که محمد (ص) پیامبر اسلام پس از خود جانشینی تعیین نه نمود. و بعد از وفات حضرت محمد (ص)، مسلمانان آن زمان بر اساس شورای چهارتن را بالترتیب به عنوان خلیفه مسلمانان انتخاب نمودند. اهل تسنن خود را پیرو قرآن کریم و حدیث (سنت) میدانند.

اصطلاح اهل سنت در قرن دوم هجری شکل گرفت. این مذهب به شاخه های **حنفی**، **مالکی**، **شافعی**، **حنبلی**، **ظاهری** (اهل حدیث) و **دیوبندی** تقسیم شده اند.

الف - مذهب حنفی: از جمله مذاهب فقهی بوده، بنیانگذار آن ابوحنیفه نعمان بن ثابت میباشد. که بین سالهای 80الی 150 هجری در شهر کوفه میزیست، یک تعداد ادعا دارند که ایرانی الاصل میباشد اما پدر و اجداد ابوحنیفه از قریه خواجه سیاران شهر چاریکار ولایت پروان افغانستان بود. اجداد موصوف شغل تجارت داشتند، و در شهر کوفه متوطن شده بودند. موصوف اولین امام از ائمه چهار گانه سنت و جماعت است، در بین مذاهب سنت و اهل تشیع پیروان بیشتر دارد. نظریه دانش مذکور مدت زمانی به حیث قاضی القضاة در شهر کوفه اجرای وظیفه کرد، اما با تغییر حکومت حاضر به اجرای وظیفه نگریدید و به زندان افکنده شد. **مذهب حنفی بر هفت اصل استوار میباشد:**

- کتاب الهی - سنت رسول اللہ - قول صحابه - قیاس و رای - استحسان - اجماع - عرف.

قیاس - دارای دو مفهوم میباشد:

- به مفهوم استنتاج یقینی از مقدمات .
- از نظر فقهی به معنی استخراج حکم مساله با استفاده از تشابه به مساله ای دیگر که حکمی در مورد آن وجود دارد. قیاس فقهی معادل تمثیل در علم فلسفه و منطق است و از دید فقهای شیعه قیاس در استخراج احکام فقهی باطل است اما از نظر فقهای اهل سنت در مواردی که حکمی را نتوان مستقیماً از قرآن و سنت استخراج کرد میتوان از قیاس استفاده نمود .

استحسان : قاعده‌ای در اصول فقه به این معناست که در مورد یک مسئله شرعی بنا به مصلحت خاصی از قیاس یا قاعده کلی صرف نظر کرده و حکمی مخالف برای آن مسئله پیدا کنیم. انگیزه استحسان ممکن است وجود قیاسی پنهان و قویتر از قیاس ظاهری یا رعایت عرف و گریز از عس و حرج (مشکلات) باشد.

اجماع: عبارت از تفاهم یک جمیعت بر یک موضوع مشخص . مثلاً مشروعیت دیدگاه اهل سنت در مسئله خلافت و جانشینی حضرت محمد (ص) منوط به مشروعیت اجماع است.

عرف : در لغت به معنای معرفت و شناخت یک مطلب یا موضوع که بصورت متواتر در بین مردم یا اجتماع خاص به کار رفته باشد، و در اصطلاح به معنی روش و شیوه مستمر عملی یا گفتاری است که در میان همه یا بیشتر مردم، قوم یا گروه خاصی شناخته شده و مرسوم باشد. این تعریف شامل سیره عقلایی منتشرعی (پیروان شریعت) و غیر آنان میشود . عرف تعاریف متعدد دارد. گروهی عرف و عادت را از نظر مصداق، یکی می‌دانند، اما به نظر میرسد که عرف با عادت جمعی، یکی باشد و به عادت فردی عرف گفته نمی‌شود .

ادامه دارد با احترام

عبدالواسع غفاری